

# الزهر

## شیعه را معرفی میکند

مقاله‌ای که از نظر خوانندگان گرامی ذیلاً میگذرد دنباله ترجمه مقاله محققانه ایست که بقلم استاد شیخ «محمد محمد المدنی» عضو دارالتقریب و استاد دانشگاه الزهر مصر و سردبیر مجله «رسالة الاسلام» تحت عنوان «رجة البعث» در شماره ۴ سال یازدهم درج شده است . این مقاله در حقیقت جوابگوی تمام گفتگوهای هائی است که بدنبال فتوای تاریخی «شیخ محمود شلتوت» بر اه افتاده است .

شیعه ای که فقه آنها در دانشگاه الزهر تدریس میشود، دودسته اند :

۱- شیعه دوازده امامی که امامیه نیز نامیده میشوند و باین جهت امامیه نامیده میشوند که امامت علی علیه السلام را به نص ( از پیغمبر صلی الله علیه و آله نه با انتخاب مردم) میدانند و بآنها دوازده امامی میگویند بعلمت اینکه بدوازده امام معتقدند که اول آنان علی بن ابی طالب علیه السلام و آخر آنها محمد بن حسن عسکری علیهما السلام ملقب به «حجت» است .

این دسته از شیعه که در کشورهای عربی و اسلامی مانند ایران، عراق، سوریه، لبنان، پاکستان و هند ساکن میباشند و در غیر اینها نیز سکونت دارند بهمه اصول اسلام ایمان دارند و هیچ فردی از مسلمانان نمیتواند بآنها نسبت کفر بدهد و اختلافی که میان آنها و اهل تسنن دیده میشود، در زمینه اصول عقاید نیست، زیرا هر دو فرقه (شیعه و سنی) در اصول اسلام مشترکند.

فقه این دسته از شیعه از امامان خودشان یعنی از اهل بیت نبوت گرفته شده و بنام «فقه جعفری» اشتهار یافته است و این نامگذاری بمناسبت نسبتی است که بجعفر صادق فرزند محمد باقر داده شده است.

این دسته از شیعه کسانی را که در باره علی غلومی نمایند، لعن میکنند و از آنها بیزار میجویند و بکفر و نجاست آنها معتقدند.

این دسته از شیعه دارای تألیفات مهمی در زمینه اصول عقاید، فقه، اصول فقه، اسرار شریعت اخلاق، ادبیات عربی و غیر آن میباشند و نوابغ بسیاری در قسمت های مختلف علوم از میان آنان برخاسته، فقهاء، ادباء، اهل حدیث و روایت، اصولیین، متکلمین از آنان پدید آمده اند و در طول اعصار و قرون گذشته، در مجموع علوم اسلام دارای آثار گرانها و درخشان میباشند.

۲ - شیعه زیدیه که غالباً در کشورهای یمن سکونت دارند مذهب آنها بزید بن علی زین العابدین نسبت داده میشود، و مذهب آنها با اهل سنت نزدیکتر است، در موقیعت آنها نیز جای گفتگو نیست.

در این صورت این گفتار که شیعه بطور کلی بر رسالت یا الوهیت علی معتقدند یا در شأن علی غلومی نمایند، گفتاری است بی اساس و نسبتی است ناروا و باید میان شیعه صحیح العقیده و شیعه منحرف فرق گذاشت، همانطور که باید هنگام نقل مطالب از شیعه متوجه بود که نظریه فرقه کمره شیعه باشیعه صحیح العقیده اشتباه نشود.



بعضی دیگر اینطور ایراد میکنند که اگر دانشگاه الازهر فقه شیعه را به منظور انتقاد

و ایراد تدریس میکنند این موجب تهییج عداوت و پیدایش فتنه خواهد شد و اگر بمنظور اینکه صحیح است و از خطا و لغزش خالی است تدریس می نمایند این باعث میگردد که دانش آموزان بجانب آن تشویق شده فریفته آن گردند ، و این نظریه جواز تقلید از آن مذهب را تأیید مینماید .

در جواب اینها میگوئیم : باید میان تدریس فقه امامیه و زیدیه بطور استقلال و تدریس آنها ضمن فقه مقارن (۱) فرق گذاشت .

هیچگاه دانشگاه «الازهر» مقرر نمیدارد که فقه امامیه و زیدیه بصورت مستقل تدریس شود تا تعداد مذاهبی که در دانشگاه «شریعت» بطور استقلال تدریس میگردد بشش مذهب برسد یعنی ؛ علاوه بر مذاهب چهارگانه معروف (حنفی، مالکی، شافعی، حنبلی) فقه امامیه و زیدیه نیز بر آن افزوده شود ؛ چیزی که اکنون مقرر داشته است و از نخستین روز مورد توجه و بحث بوده است ؛ تدریس فقه امامیه و زیدیه در اثر سنجش و موازنه «فقه مقارن» است .

تدریس فقه مقارن بر این پایه محکم استوار است که بحث کنندگان در مباحث فقهی باید بانظر پاک و بیطرفی بهمهم نظریه های فقهی توجه کنند و بدون اعمال تعصب مذهبی بی بحث و تحقیق بپردازند .

اگر تدریس و تحقیق فقه مقارن باین صورت انجام نگیرد اسمی بی مسمی خواهد بود و نتیجه مطلوب بدست نخواهد آمد روی همین اصل ایراد فوق بر ما روشن نیست و در جواب میگوئیم : باید بحث و تدریس بر پایه انصاف و عدالت قرار گیرد و با ذهن خالی مورد توجه واقع شود و الا از طریق تحقیق علمی منحرف خواهد گشت بدیهی است شالوده درس و تحقیق بر اساس دلیل و برهان قرار گرفته ، نه تعصب و طرفداری از نظر معینی ، و هیچ کس معتقد نیست که هر روش فقهی بطور کلی صحیح یا بطور کلی باطل است ؛ بلکه هر مجتهد باید بطور آزاد بی بحث و تحقیق بپردازد و هر نظری که بر پایه دلیل و برهان محکم استوار است انتخاب کند .

(۱) فقه مقارن یعنی مقایسه فتاوی مذاهب مختلفه و انتخاب فتوایی که دلیل آن محکمتر و قویتر است

اینجا لازمست که این نکته را نیز خاطر نشان سازیم که: دانشگاه الازهر تدریس فقه امامیه و زیدیه را ضمن تدریس فقه مقارن (نه بطور استقلال) مقرر داشته است نه از این جهت بوده است که با تدریس آنها بصورت مستقل مخالف است؛ بلکه از این نظر است که تدریس جامع و اوصول در این دانشگاه در سایه فقه مقارن صورت میگیرد و فعلا لازم نمیداند که تدریس مذهبی را بر مذاهب چهار گانه بیفزاید؛ تا مانند آنها بطور استقلال تدریس شود، و شاید در آینده همه مباحث فقهی از استقلال بیرون رود و مجموع دروسهای فقه در دانشگاه شریعت و موجبات تخصص در آنها، در ضمن تدریسهای مقارن انجام بگیرد.

میگویند: «چرا بفقہ مقارن این اندازه اهمیت میدهید و تدریس آنرا تدریس جامع مینماییم و در راه آن متحمل زحماتی میگردید که پیشینیان شما متحمل آن نشده اند؟»

در جواب این اعتراض میگوئیم: فقه حقیقی همان فقه مقارن است؛ دانشمند فقیه باید متخصص در این رشته باشد، دانشمندی که فقط فروع فقهی را حفظ کرده و در این رشته مهارت ندارد فقیه نیست.

چیزی که ما مقرر داشته ایم، چیز تازه ای نیست بلکه کتابهایی که مورد اعتماد و توجه شماست این موضوع را تثبیت می نماید، دانشمندان در تعریف فقه میگویند: «فقه بدست آوردن احکام شرعی است از روی دلایل تفصیلی» و میگویند: «کسی که طبق این اسلوب و روش دارای قوه پی بردن با حکام الهی نباشد فقیه نیست گرچه جمیع فروع فقهی را از برداشته باشد و کسی که دارای چنین قوه ای و لودر بعض مسائل باشد، فقیه است» «چهل مسئله از مالک پرسیدند جواب چهار مسئله را گفت و در جواب سی و شش مسئله گفت: فعلا نمیدانم. مستحضر نبودن جواب سی و شش مسئله باعث نگردید که ویرا فقیه ننامند، زیرا قوه مذکور را دارا بود.

این روش در فقه (فقه مقارن و موازنه) در میان دانشمندان هر عصر معمول بوده و کتابهای مذاهب در سایه همین روش بوجود آمده صفحه ای از صفحات کتابهای

حدیث و تفسیر و اصول از اعمال این طریقه خالی نیست ، چه بسا دانشمندانکی که گفتار شافعی را ترخیص داده و حنفی که گفته غیر ابوحنیفه را پذیرفته ، اصحاب ابوحنیفه و شاگردانش و همچنین غلامای حنفی مذهب در بسیاری از اوقات نظریه غیر ابوحنیفه را قبول نمیکنند ، زیرا مدرکی که مورد استناد ابوحنیفه بوده در نظر آنها در آن مورد ضعیف است ، یا بدلیل پی برده اند که ابوحنیفه پی نبرده است ، و همچنین است روش همه اصحاب پیشوایان فقه و اتباع مذاهب چهار گانه اهل سنت .

شکی نیست که این روش ، روش صحیحی است هم از جهت علم فقه و هم از نظر اسلام ، اما از نظر علم فقه باین جهت است که فقیه با انصاف هدفی جز بحث و جستجوی حقیقت ندارد و نمیتواند در مسأله ای که بحث می کند از نظریه مجتهد دیگر صرف نظر کند و بدلیل وی توجه ننماید زیرا ممکن است آن دلیل ، محکم و خالی از اشکال باشد و تا هنگامی که نص قطعی از کتاب خدا و سنت در بین نباشد ناگزیر از آن دلیل باید پیروی کند .

اگر دانشمندی نظریه دیگری را نادیده بگیرد مشمول مذمت و توبیخ این آیه میگردد الا انهم یشنون صدورهم ایستخفوا منه . ( آیه ۵۰ سوره هود ) یعنی : آگاه باشید که آنان ( منافقان و کافران ) روی دلها را میگردانند تا خود را از کلام خدا پنهان دارند تردیدی نیست که در این صورت آن رویه غیر صحیح و در نظر دانشمندان معتبر نیست اما صحت این روش از نظر اسلام روی این اصل است که همه مسلمانان یکک است میباشند و هر فرقه ای در راه حق شناسی و عمل بآن برادر و پشتیبان فرقه دیگر میباشند و این اصل در صورتی محفوظ می ماند که مجموع مسلمانان که اهل یکدین و صاحبان اصول مشترک میباشند همه در نظریه خود استفاده از نظر دیگران آزاد باشند ، و ما قبلا تذکر دادیم که در اصول اسلام میان جامعه تسنن و امامیه وزیدیه تفاوتی نیست .